

بررسی مسئله رابطه با «شیطان عصر» بر اساس خطمشی سیاسی قرآن

mirarab@isca.ac.ir

فرج‌الله میرعرب / دانشیار گروه تفسیر و علوم قرآن، پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن
محمد مهدی فیروز مهر / استادیار گروه تفسیر و علوم قرآن، پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن
دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۲۰ - پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۱۶

چکیده

قرآن مرجع تمام خطمشی‌های سیاسی نظام اسلامی است. قرآن رابطه با شیطان را ممنوع کرده است. شیطان، که دشمن قسم خورده انسان است، یک فرد مشخص نیست، بلکه عنوانی برای مجموعه‌ای از خصوصیات است؛ مانند: دشمنی با دین و رهبران الهی، ترویج دشمنی میان بندگان خدا، بدعهدی، فساد، فریب کاری، گمراه ساختن. مسئله این است شیطان در هر روزگاری، در قالب فرد، گروه یا دولت، چگونه می‌تواند ظهور کند؟ معیار امام خمینی علیه السلام که «شیطان بزرگ» را بر آمریکا تطبیق کرد، و مقام معظم رهبری، که بر تداوم تطبیق تأکید دارد، برای اثبات ادعا چیست؟ اثبات ادعا بر مبنای وحی قرآنی مستلزم ممنوعیت روابط با آمریکا خواهد بود. هدف این پژوهش نشان دادن مستند بودن نظر امام راحل و مقام معظم رهبری بر معیارهای قرآنی است که با روش «توصیفی، تحلیلی و تطبیقی» انجام شده است. تثبیت این اندیشه مستلزم مقاومت و مبارزه با این دشمن خطرناک است. البته به سبب داشتن ظاهر انسانی و امکان فریب افکار عمومی، در مواقعی، نوعی تعامل با شیطان انسانی، با هدف تضعیف جبهه او، بر اساس راهبردهای رهبری نظام اسلامی ممکن است ضروری شود.

کلیدواژه‌ها: قرآن، شیطان، آمریکا، خطمشی سیاسی قرآن.

قرآن کتاب همه عصرها و نسل‌هاست. جامعیت قرآن و راهگشا بودن خطمشی‌ها و راهبردهای آن برای تأمین نیازهای سیاسی بشر، اصلی مسلم است. البته این تأمین نیاز قواعدی دارد که باید شناخته و مراعات شود. یکی از قواعد استفاده عصری از قرآن کریم، برای به‌دست آوردن خطمشی سیاسی قرآن، «جری و تطبیق» است.

قرآن دو دسته شیطان (جنّی و انسانی) معرفی کرده و ارتباط دوستانه با هر دو را ممنوع کرده است. بر اساس روایات، شیطان بزرگ و کوچک دارد که نوع انسانی آن، ممکن است بر شخص، قبیله، طایفه یا کشوری حکومت کند. شیاطین کوچک‌تر با بزرگشان هماهنگ می‌شوند تا بتوانند افزون بر مردمان خود، مردمان سایر کشورها را نیز پیرو افکار و فرهنگ شیطانی خود کنند. قرآن اوصاف شیطان و اصول روابط را بیان کرده است، و مردمان و رهبران هر عصری باید با جری و تطبیق، شیطان بزرگ و کوچک زمان خود را بشناسند تا بتوانند خطمشی سیاسی قرآن را بر آن منطبق و عملی کنند. امام خمینی^{ره} آمریکا را «شیطان بزرگ» می‌دانست (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۲۲۱ و ۴۹۱ و ص ۴۹۳ و ص ۴۹۶) و در نظریه خود، چنان راسخ بود که گفت:

اگر ما با دست جنایت‌کار آمریکا... از صفحه روزگار محو شویم و با خون سرخ شرافتمندانه با خدای خویش ملاقات کنیم، بهتر از آن است که در زیر پرچم... سیاه غرب، زندگی اشرافی مرفه داشته باشیم (همان، ص ۴۴۰).

کاربست عنوان «شیطان بزرگ» در ادبیات سیاسی امام خمینی^{ره} درباره آمریکا و استمرار آن از سوی مقام معظم رهبری، اگر حقیقی تلقی شود، اقتضاتاتی دارد که نظام اسلامی باید به آن پایبند باشد. مقام معظم رهبری می‌گوید: واژه «شیطان بزرگ» برای آمریکا، ابداع عجیبی از سوی امام بود. امتداد معرفتی و عملی تعبیر «شیطان بزرگ» خیلی زیاد است. وقتی شما یک کسی را، یک دستگاهی را شیطان دانستید، معلوم است که باید رفتار شما در مقابل او چگونه باشد؛ باید احساسات شما نسبت به او چگونه باشد. امام تا روز آخر، نسبت به آمریکا همین احساس را داشت. عنوان «شیطان بزرگ» را هم به کار می‌برد (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۱/۱۹).

از سوی دیگر، دولت آمریکا ظاهری انسانی و متمدن دارد و نقش مهمی در تأمین برخی از نیازهای جامعه بشری ایفا می‌کند. ابهامات بسیاری در ذهن مردم درباره منع از مذاکره و رابطه با آمریکا وجود دارد که نظر رهبری را برای عده‌ای تبدیل به مسئله کرده است. از این‌رو، مسئله نیازمند تبیین دینی است تا جامعه اسلامی بدانند که نظریه امام راحل و مقام معظم رهبری معیار دارد و واجب‌الاتباع بوده و نفع واقعی در اطاعت از رهبری است. این پژوهش می‌کوشد به روش «اسنادی» و «جری و تطبیق» تبیین مناسبی برای مسئله و فهم بهتر آن داشته باشد.

پیشینه پژوهش

درباره شیطان و نقش مخرب آن در زندگی بشر، کتاب‌های آسمانی، به‌ویژه قرآن، که سالم از تحریف است، به‌روشنی سخن گفته‌اند و منابع اساسی برای شناخت شیطان و وظایف انسان در نوع تعامل با او هستند. تفاسیر کتاب‌های مقدّس و به‌ویژه تفاسیر قرآن کریم، منابعی غنی در شیطان‌شناسی و تفهیم وظایف انبای بشر در قبال او

هستند. در تک‌نگاری‌ها نیز منابع خوبی در خصوص شیطان در قرآن وجود دارد؛ مانند: *شیطان‌شناسی از دیدگاه قرآن کریم*، اثر محمد بیستونی که نشر بیان جوان در سال ۱۳۸۲ در تهران، آن را چاپ کرده است.

درباره شیطان بزرگ آمریکا نیز کتاب‌ها و مقالات متعددی منتشر شده که بیشتر جنبه گزارشی و افشاگرانه دارند:

۱. *آمریکا شیطان بزرگ* از فاطمه رجبی که مجموعه‌ای تطبیقی از افشاگری‌های امام خمینی * درباره دخالت‌های سلطه‌جویانه آمریکا در ایران و جهان، همراه با اعترافات مقامات و محققان سیاسی دنیاست.
۲. *وسوسه شیطان*، اثر محمدتقی کرمانی که به جریان‌شناسی فعالان رابطه با آمریکا از دولت موقت تا دولت اصلاحات پرداخته است.
۳. سه اثر از *صالح قاسمی* با عناوین: *اسرار شیطان (ناگفته‌هایی از ایالات متحده آمریکا)*، *کارنامه شیطان (جنایات ایالات متحده آمریکا در ایران)*، و *خاطرات شیطان (جنایات ایالات متحده آمریکا در جهان)*.

بهترین مقاله همسو، گونه‌شناسی فقهی مذاکره سیاسی با دشمنان به استناد تاریخ (با تطبیق بر مذاکره با آمریکا)، اثر مرتضی توکلی محمدی است که در *معرفت سیاسی*، ش ۱۶، ص ۲۵-۳۹، چاپ شده است. این مقاله «مذاکره» به معنای امروزی را ممنوع دانسته است. آثار و مقالات دیگری نیز منتشر شده که هیچ نوع نگاه قرآنی نداشته‌اند.

مفاهیم و تعاریف

۱. «روابط»

«روابط» از «رابطه» به معنای پیوند، پیوستگی، ارتباط و علاقه [بین دو تن یا دو چیز] است (بستانی، ۱۳۷۶، ص ۳۹). این واژه در دانش سیاسی، معادل «Diplomatic relation» و به معنای «داشتن مناسبات سیاسی» است که مستلزم برقراری ارتباطات و سروکار داشتن دو ملت و دولت با یکدیگر است (طلوعی، ۱۳۷۷، «روابط سیاسی»). همچنین در اصطلاح روابط بین‌الملل، به مجموعه اقدامات و کنش‌های متقابل واحدهای حکومتی و یا نهادهای غیر دولتی و همچنین روندهای سیاسی میان ملت‌ها، گفته می‌شود (جمالی، ۱۳۸۵، ص ۲۰۸).

۲. «شیطان»

«شیطان» در لغت، به معنای موجودی سرکش و متمرد، از جن، انسان و حیوان است (ابن‌منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۱۳، ص ۲۳۸؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۵۴). و گاهی به خصلت بد انسان «شیطان» اطلاق شده است؛ مانند «حسد شیطان است؛ غضب شیطان است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۵۵).

همچنین گفته شده است: «شیطان» به معنای «دشمن» و ترجمه لفظ یونانی دیابولوس (Diabolos) به معنای «سخن‌چین» است، و در کتاب مقدس، نام‌ها و القاب متعددی برای او ذکر شده است (مسترهاکس، ۱۳۷۷، ص ۵۴۵).

بعضی گفته‌اند: «شیطان» در اصطلاح، موجودی است که به چشم دیده نمی‌شود و از سنخ جن است (شعرانی، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۱۰). این معنا در بین پیروان ادیان آسمانی رایج است. برخی معتقدند: شیطان چیزی جز قوای انسان، که به شر و بدی دعوت می‌کند، نیست، و وجود مستقل خارجی ندارد (نک: طیب، ۱۳۷۸، ج ۶، ص ۱۳۷). این تعریف از «شیطان» با ظواهر قرآن هماهنگ نیست.

واژه «شیطان» به صورت مفرد، هفتادبار و به صورت جمع (شیاطین) هجده‌بار (عبدالباقی، ۱۳۷۴، شطن) در قرآن تکرار شده است. گفته شده: «الشیطان» با «ال تعریف» در قرآن، مرادف ابلیس است (خزائلی، ۱۳۷۱، ص ۸۳). بعضی شیطان را به اعتبار دوری از خیر و رحمت حق تعالی، وصف روح شریر دانسته‌اند (قرشی، ۱۳۸۶، ص ۳۳).

از قرآن استفاده می‌شود که شیطان یک صفت است و نامی برای موجود خاص نیست؛ چنان‌که «شیاطین» دربارهٔ رهبران دینی یهود «خَلَوْا إِلَى شِیَاطِينِهِمْ» (بقره: ۱۴) (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۴۰) و سرکشان و طغیانگران در برابر حق از جن و انس «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شِیَاطِیْنَ الْإِنْسِ وَ الْجِنِّ» (انعام: ۱۱۲) (دامغانی، ۱۴۱۹، ص ۲۴۳) و وسوسه‌کنندگان و فتنه‌گران از دانشمندان کافر و رؤسای سرکش آنان «وَ إِنْ الشِّیَاطِیْنَ لَیُؤَخِّنُونَ إِلَیْ أَوْلِیَائِهِمْ لِیُجَادِلُوْهُمْ» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۵۵۳) استعمال شده است.

پس «شیطان» صفتی است که می‌تواند انسان و جن را شامل شود؛ چنان‌که امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری آن را صفت آمریکا قرار داده‌اند (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۲۲۱؛ حسینی خامنه‌ای، بیانات ۱۳۹۲/۱۱/۱۹).

۳. «خطمشی سیاسی»

«خطمشی» عبارت است از: خط سیر و راهی که انسان پیش‌رو دارد (معین، ۱۳۸۶، «خطمشی»). «سیاست» واژه‌ای عربی، از ریشه «سَوَسَ» به معنای ریاست و رسیدن به حکومت است (ابن‌منظور، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۱۰۷). در فارسی، «سیاست» به معنای «پاس داشتن مُلک، حکم راندن بر رعیت، رعیت‌داری کردن، ریاست و داوری و...» است (دهخدا، بی‌تا، ج ۹). براساس معنای لغوی، معنای ترکیبی «خطمشی سیاسی» می‌تواند ریاست و داوری، حکم‌رانی و کشورداری در مسیر مشخص برای رسیدن به مقصد باشد.

«خط مشی سیاسی» در اصطلاح، اساس‌نامه، نظام‌نامه و اصول یک حکومت یا نظام سیاسی است که مراجع قانونی کشور وضع می‌کنند که اقدامات و فعالیت‌های لازم در جامعه براساس آن جهت داده می‌شود (الوانی، ۱۳۸۷، ص ۲۲).

این تعریف براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی، در اصل یکصد و دهم جهت می‌یابد و تعیین «سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران» و نظارت بر حسن اجرای «سیاست‌های کلی نظام» از «اختیارات رهبری» است.

جریان خطمشی‌های قرآن تا قیامت بر اساس جری و تطبیق

از آن رو که قرآن کتاب خاتم پیامبران «خَاتَمَ النَّبِيِّينَ» (احزاب: ۴۰) است، جاودانگی و جامعیت آن از مباحث بسیار مهم است. کتابی که «خَتَمَ بِهِ الْوَحْيِ» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، خ ۱۳۳) و به بیان امام صادق علیه السلام «با کتاب شما کتاب‌ها را پایان داد؛ پس کتابی بعد از آن نخواهد بود» (حرّ عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۷، ص ۱۶۹)، باید پاسخگوی همه نیازهای عصری تا قیامت باشد. قرآن چنین است که امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «خداوند آنچه را که اَمّت تا روز قیامت بدان احتیاج دارند، در قرآن آورده و برای رسولش بیان کرده است...» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۸). به تعبیر امام رضا علیه السلام «... قرآن برای زمانی خاص قرار داده نشده، بلکه برهان و حجتی است بر همه انسان، در تمام زمان‌ها...» (عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۳۰۹).

چگونگی جاودانگی قرآن در بیان امام باقر علیه السلام با تعبیر «يَجْرِي كَمَا تَجْرِي الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ»؛ همچون خورشید و ماه همواره جاری است» (صَفَّار، ۱۴۰۴ق، ص ۲۱۶) بیان شده و فرموده‌اند: «... اگر چنین بود که آیه‌ای درباره قومی نازل می‌گشت و با از بین رفتن آن قوم، آیه هم از بین می‌رفت، از قرآن چیزی باقی نمی‌ماند، لیکن قرآن تا زمانی که آسمان‌ها و زمین برپاست، اول تا آخر آن جریان و سریان دارد» (عیاشی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۰). امام صادق علیه السلام نیز علت جاودانگی را «زنده بودن قرآن» و روش عملیاتی شدن این جاودانگی را همان «جریانش درباره مسائل آیندگان» بیان کرده‌اند (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۹۲).

بر این اساس، امیرالمؤمنین علیه السلام پس از ذکر آیه نخست سوره ممتحنه، که خطاب به مؤمنان می‌فرماید: «ای اهل ایمان، دشمنان من و دشمنان خودتان را دوستان خود مگیرید...»، یادآور شده‌اند که گرچه نزول اولیه درباره حاطب بن ابی‌لیتعه بوده، ولی آیه درباره همه مردم جاری است (مجلسی، ۱۴۰۷ق، ج ۹۰، ص ۲۴). همچنین وقتی از امام صادق علیه السلام سؤال شد که عقل چیست؟ فرمودند: چیزی است که به آن خدای رحمان عبادت و بهشت کسب می‌شود. سؤال شد: پس آنچه در معاویه بود، چه بود؟ فرمودند: آن زشتی و شیطنت بود که شبیه عقل بود، نه عقل (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۱). این تشخیص کار امام است. پس خط مشی‌های قرآن عصری نیست، بلکه تا قیامت جریان دارند.

حجیت جری و تطبیق ولی فقیه

با این وصف از قرآن، سؤال این است که مسئول تعیین معیار و تشخیص مسئله کیست؟ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «قرآن تأویلاتی دارد که بعضی زمانش رسیده و بعضی نرسیده است. هرگاه زمان وقوع آن تأویل، در زمان امامی از ائمه برسد، امام آن زمان عارف به آن تأویل است (و جری و تطبیق عصری و وظیفه را بیان می‌کند) (صَفَّار، ۱۴۰۴ق، ص ۲۱۵).

این تشخیص حجت و لازم الاجراست؛ زیرا خدای متعال فرموده: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ...» (نساء: ۵۹) و روایات ذی‌ربط ثابت

می‌کند که در عصر غیبت، تشخیص و حکم ولیّ فقیه حجت و نافذ است. / امام خمینی علیه السلام بر اساس منابع اسلامی، معتقد بودند:

همان اختیارات و ولایتی که حضرت رسول و دیگر ائمه علیهم السلام در تدارک و بسیج سپاه، تعیین ولات و استان داران، گرفتن مالیات و صرف آن در مصالح مسلمانان داشتند، خداوند همان اختیارات را برای حکومت فعلی قرار داده است، منتها شخص معینی نیست، روی عنوان «عالم عادل» است (موسوی خمینی، ۱۳۸۸، ص ۵۱).

اختیارات به‌حدّی است که «حکومت می‌تواند از حج، که از فرایض مهم الهی است، در مواقعی که مخالف صلاح کشور اسلامی دانست، موقتاً جلوگیری کند (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۰، ص ۴۵۱-۴۵۲).

براین اساس، تشخیص شیطان عصر و خط مشی تعامل با او با رهبر جامع‌الشرائط هر عصر است و حکم او نافذ و واجب‌الاتباع است.

تبیین مبنای شیطان شدن انسان و وجود شیطان در جامعه بشری

ممکن است برای بعضی سؤال باشد که چگونه ممکن است انسان شیطان شود و اطلاق «شیطان» بر انسان بر چه مبنایی است؟

گفته شد که در کاربردهای لغوی، واژه «شیطان» بر هر موجود متمرّد و سرکش، اعم از جن و انس: «شَیَاطِينِ الْاِنْسِ وَ الْجِنِّ» (انعام: ۱۱۲) به کار می‌رود: (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۲۴۱). در روایتی، پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله به ابوذر فرمودند: خود را در پناه خدا قرار ده از شرّ شیطان‌های جنّی و انسانی؛ «تَعَوَّذْ مِنْ شَرِّ شَیَاطِينِ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ». / ابوذر گفت: آیا از جنس انسان هم شیاطین داریم؟ فرمودند: بلی (ابن حنبل، بی‌تا، ج ۵، ص ۲۶۵). همچنین آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله ضمن تأیید وجود شیاطین انسی فرمودند: «شیطان انسی بدتر از شیطان جنی است (ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۶۲۴؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۸، ص ۵).

بدتر بودن شیاطین انسی بدان سبب است که شیاطین جنی با پناه بردن به خدا می‌روند و انسان را رها می‌کنند، ولی شیاطین انسی آشکارا انسان را وادار به گناه می‌کنند (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۷، ص ۶۸).

برخی مفسران از آیه «وَ اَتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ» (اعراف: ۱۷۵) که درباره بلعم باعورا است، استفاده کرده‌اند که چه‌بسا انسان منحرف امام و پیشوای شیطان جنی می‌شود؛ زیرا قرآن فرموده است: «شیطان پیرو او شد: فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ» (میرزاخسروانی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۳۵۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۱۰۴). پس مقصود از «شیطان انسانی» کسی است که بر باطل لباس حق می‌پوشاند و مردم را به باطل می‌کشاند (مغنیه، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۲۴۹).

اما چگونه ممکن است انسان شیطان شود و ماهیت شیطانی پیدا کند؟

در اخلاق اسلامی، قوای اساسی نفس را به چهار قوه تقسیم می‌کنند؛ یکی از این قوا، «قوه واهمه» است که کارش ادراک جزئیات امور است. قوه واهمه کارکرد مثبت و منفی دارد. کارکرد منفی این قوه کشف راه‌های مکر و

حیله‌گری و رسیدن به مقاصد از طریق فریب و نیرنگ است (نراقی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۴۱-۴۲؛ همو، بی‌تا، ص ۲۸-۲۹). در این حالت، این قوه ابزار دست شیطان است، و آنگاه که سیطره پیدا می‌کند وجود آدمی به شیطان تبدیل می‌گردد (نراقی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۵۰).

گفته شده که قوه واهمه، برخلاف سامعه و باصره تابع عقل نیست. اگر عقل می‌گوید «از مرده نباید ترسید، چون جماد است»، واهمه نمی‌پذیرد و می‌ترسد. سایر قوا به‌منزله فرشتگان اند در عالم بدن و قوه واهمه به‌منزله شیطان است (شعرانی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۶). انسان با داشتن قوه وهم، زمینه مسخ و تبدیل به شیطان شدن را دارد.

بعضی نیز معتقدند:

تعبیر رایج «حیوان ناطق» در تعریف انسان، ناظر به حال اکثری افراد است، اما در کل، برخی بهیمة ناطق، بعضی سبُع ناطق، گروهی شیطان ناطق، عده‌ای انسان و بعضی فرشته ناطق اند؛ زیرا آنگاه که در مسیر انسانیت قرار می‌گیرد، پیش روی او چهارراه است: یا همین انسانیت را شکوفا کرده، انسان برتر و نمونه، همانند فرشته می‌شود؛ یا در مسیر افکار و سیاست‌های مشموم می‌افتد و شیطان می‌گردد (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۸، ص ۷۶-۷۷؛ نیز ر.ک: ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۲۳۳-۲۳۴).

ملاصدرا نیز معتقد است: با راسخ شدن ردایی که مربوط به قوه نطقیه (قوه عاقله و شناخت) است، انسان تبدیل به شیطان مطرود می‌گردد (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۳۱۰).

به نظر امام خمینی^ع اگر نفس به میزان شرع رفتار کرده، عملش مطابق آن باشد، قوه عقلیه در تجرد زیاد می‌گردد، و اگر به میزان شرع رفتار نکند، قوه واهمه تقویت می‌شود و به طرف «شیطان الکل» که «وهم الکل» است، نزدیک می‌شود. از این رو، شخصی که شرور است، نفسش مادامی که جوان است، چون آلات قوای شیطنت جوان است، با غضب و شهوت و زور و زدن و کشتن و تعدیات همراه است؛ و وقتی آلت غضب، که آلت زدن و حمله است، به تدریج سست می‌شود و آلت شهوت ضعیف می‌گردد و می‌بیند از این راه‌ها دیگر نمی‌شود آن شیطنت و قوه وهمیه کار کند، همین قوه به آن طرفی می‌رود که ممکن است با آن قوه اظهار شیطنت بشود. به نظر ایشان، هر چه سایر قوا ضعیف‌تر شود، توجه به واهمه زیادتر می‌شود. از این رو، پیرمرد حریص می‌شود و حب ریاستش زیادتر می‌گردد تا بالاخره قوه واهمه بزرگ‌تر می‌شود و به شیطان الکل، که وهم الکل است، نزدیک می‌گردد (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۳۵).

بنابراین، قوه واهمه، که یکی از قوای انسان است و باید در مسیر رشد و تعالی او فعال باشد، در صورت انحراف از نظام عقل، کار شیطان را از درون انسان انجام می‌دهد و به تدریج، انسان را تبدیل به شیطان می‌کند؛ همان موجودی که از شرّ و سوسه‌اش باید به خدا پناه برد. کسانی که به این حد برسند، هیچ نسبتی با جریان الهی ندارند و در نتیجه، حیثیت انسانی‌شان مسخ و همانند شیطان، نماد سقوط و پستی می‌شوند: «وَ إِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنُوا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْرَجُونَ»؛ هنگامی که با شیطانهای خود خلوت می‌کنند، می‌گویند: «ما با شما هستیم! ما فقط (آنها را) مسخره می‌کنیم!» (بقره: ۱۴) و جامعه را وارد بحث‌های انحرافی و سرگرم مجادلات

مخرب می‌کنند: «... وَ إِنَّ الشَّيَاطِينَ لَكُيُوهُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ...»؛ شیاطین به دوستان خود مطالبی مخفیانه القا می‌کنند تا با شما به مجادله برخیزند (انعام: ۱۲۱). این گروه با ابلیس هماهنگ‌اند: «وَ لَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ...»؛ به یقین، ابلیس گمان خود را درباره آنها محقق یافت که همگی از او پیروی کردند، جز گروه اندکی از مؤمنان (سبا: ۲۰).

معیارهای قرآنی در اتخاذ خط مشی ممنوعیت روابط با شیطان

بحث علمی ثابت کرد که انسان می‌تواند شیطان شود و دشمن هم‌نوع خود گردد: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» (اعراف: ۲۲). دشمنی او چنان است که لحظه‌ای غفلت در مراوده با او ممکن است انسان را از بهشت محروم کند. این بیان کلی باید عینی و جزئی شود تا برای ممنوعیت روابط، ملاک به‌دست دهد. قرآن به‌طور عینی و مشخص، ملاک به‌دست داده و امام خمینی علیه السلام و امام *خاصه‌ای* به‌عنوان رهبران الهی، ملاک‌های عینی را بر آمریکا تطبیق کرده و در عینیت جامعه نشان داده‌اند:

۱. دشمنی با دین و رهبران الهی

قرآن تذکر داده که شیاطین جنی و انسانی با دعوت‌کنندگان به مکتب خدای متعال دشمن‌اند: «وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا...»؛ این چنین در برابر هر پیامبری، دشمنی از شیاطین انس و جن قرار دادیم؛ آنها به یکدیگر، درگوشی سخنان فریبنده و بی‌اساس (برای اغفال مردم) می‌گفتند (انعام: ۱۱۲). آیه نشان می‌دهد که وقتی جامعه به سمت الهی شدن پیش می‌رود، شیاطین جنی و انسانی به یاری هم می‌شتابند و با ترفندهای فرهنگی (باطل بزرگ شده: زُخْرُفَ الْقَوْلِ) و (فریب‌کاری، غرور)، برای دور کردن مردم از رهبران الهی تلاش می‌کنند تا مکتب الهی مستقر نشود. امیرالمؤمنین علیه السلام نیز هشدار داده که «شیطان بزرگ‌ترین مانع برای دین‌داری است» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، خ ۱۹۲).

امام خمینی علیه السلام نیز ضمن اشاره به حقیقت یاد شده، فرموده‌اند:

اولی که اسلام بنا شد که تحقق پیدا بکند، شیطان بزرگ رفت و شیاطین را فریاد زد که اگر این اسلام درست بشود، کارها همه لنگ است. حالا هم فریاد بلند شده است. فریاد بلند کردند برای اینکه قانون اساسی را به تعویق بیندازند... اینها شیاطینی هستند که در صدر اسلام هم شیطان بزرگشان فریاد زد و همه را با هم مجتمع کرد. الان هم می‌خواهند همین کار را بکنند (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۸، ص ۱۶۲-۱۶۳).

به نظر ایشان «آمریکا هم بنایش بر این است که اسلام نباشد» (همان، ج ۱۶، ص ۴۳۳).

مقام معظم رهبری نیز علت دشمنی با نظام اسلامی را «استقلال، ایمان، اعتقاد به اسلام، اعتقاد به حاکمیت دین خدا در زمین و در جامعه» (حسینی خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۵/۷/۷) می‌داند. به نظر ایشان، آمریکا و طرفدارانش «از قدرت اسلامی و قدرت انقلابی می‌ترسند» (همان، بیانات، ۱۳۹۷/۷/۱۲) و می‌خواهند جلوی «حضور ملت،

حاکمیت ملی، نفوذ افکار قرآنی و اسلامی در میان مردم» را بگیرند. دشمنی آنها برای «زنده کردن» روح غرور اسلامی، روح افتخار و تفاخر به اسلام» است (همان، بیانات، ۱۰/۲۵/۱۳۸۵).

پس چنان که شیطان مورد نظر قرآن با دین و آیین الهی و آورنده آن دشمن است، آمریکا و ادناش هم با همین حقیقت دشمن هستند.

۲. دام گذاشتن و فریب انسان‌ها

از قرآن استفاده می‌شود که شیطان و پیروانش اهل فریب و دغل کاری هستند. فریب و دغل، روش‌ها و شکل‌های بسیار متنوعی دارد:

(الف) رفتار منافقان، به‌ویژه منافقان یهود، در روابط با مسلمانان چنین بود. آنان که مسلمانان را سفیه و سبک‌عقل می‌خواندند و برای فریب آنان ادعای ایمان می‌کردند، ولی در پنهان همدست شیطان‌هایی بودند که به آنان درس «فریب» می‌دادند: «وَ إِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِؤْنَ»؛ هنگامی که با شیطان‌های خود خلوت می‌کنند، می‌گویند: ما با شما هستیم! ما فقط (آنها را) مسخره می‌کنیم (بقره: ۱۴).

(ب) شیطان با سوگند و تأکید فراوان، اعتماد آدم و حوا را جلب کرد و ایشان را فریب داد: «وَ قَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِٰنٌ النَّاصِحِينَ، فَذَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَ...» و برای آنها سوگند یاد کرد که من از خیرخواهان شمایم، و به این ترتیب، آنها را با فریب (از مقامشان) فرود آورد (اعراف: ۲۱-۲۲).

(ج) شیطان انسان را در قبال وعده به حل مشکل، به کفر دعوت کرد، ولی همین که کفر بورزد او را تنها می‌گذارد و از او بیزار می‌جوید: «كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنْكَ...»؛ کار آنها همچون شیطان است که به انسان گفت: کافر شو (تا مشکلات تو را حل کنم)! اما هنگامی که کافر شد گفت: من از تو بیزارم (حشر: ۱۶). «در آیه، نوع انسان و شیطان مراد است» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۲۱۳).

(د) قرآن در آیه «وَ إِذْ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ وَ قَالَ لِأَغْلِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَ إِنِّي جَارٌ لَّكُمْ فَلَمَّا تَرَأَتِ الْفِئْتَانَ نَكَصَ عَلَىٰ عَقَبَيْهِ وَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنْكُمْ...»؛ هنگامی که شیطان، اعمال آنها [مشرکان] را در نظرشان جلوه داد... من، پناه‌دهنده شما هستم! اما هنگامی که دو گروه (کافران و مؤمنان مورد حمایت فرشتگان) در برابر یکدیگر قرار گرفتند، به عقب برگشت و گفت: من از شما (دوستان و پیروانم) بیزارم (انفال: ۴۸). می‌فرماید: در داستان جنگ بدر، شیطان برای مشرکان قریش مجسم شد و ایشان را فریب داد و بر جنگ با مؤمنان تشجیع کرد و عمل ایشان را در نظرشان زینت داد و گفت: با عِدّه و عَدّه‌ایی که دارید، کسی نمی‌تواند بر شما پیروز گردد و من هم شما را حمایت می‌کنم. اما همین که دو لشکر رودرروی هم قرار گرفتند، پا به فرار گذاشت و به‌صراحت گفت: من از شما بیزارم. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۹۸).

ه) در روایات متعدد نقل شده است در روز جنگ بدر، شیطان به شکل سُرّاقه‌بن مالک برای مشرکان قریش مجسم شد و ایشان را آن گونه که در آیه آمده است، به جنگ با مؤمنان تشویق کرد (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۷۰۳). مشرکان وقتی مسلمان شدند، فهمیدند که در آن روز شیطان بوده که به صورت سُرّاقه مجسم شده است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۸۴۴).

و) نمونه تاریخی را باید در رفتار معاویه دید. او ابتدا با قلدری در مقابل امیرالمؤمنین علیه السلام ایستاد، ولی وقتی دریافت که توان جنگیدن و زور گفتن ندارد، به حيله، قرآن را بر سر نیزه‌ها بالا برد و در لشکر امیرمؤمنان علیه السلام تفرقه ایجاد کرد (ابن‌الوقت، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۱۲۰-۱۲۱).

آمریکا نیز چنین است. امام خمینی علیه السلام ادعای صلح‌طلبی آمریکا را فریب ملت‌ها دانسته است: «آمریکا در هر نقطه‌ای که دستش برسد، می‌گوید ما برای صلح می‌خواهیم برویم، و لکن فساد ایجاد می‌کند» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۸، ص ۲۳۷).

همین معیار در بیان رهبر معظم انقلاب نیز آمده است: «بزرگ‌ترین جرم استکبار جهانی این است که دروغ‌گویی، فریب، تقلب و باطل‌گرایی را با رفتار خود در دنیا توسعه و رشد می‌دهد و ترویج می‌کند» (حسینی خامنه‌ای، بیانات ۱۳۷۵/۹/۱۹).

رهبر معظم انقلاب توجه داده‌اند که حتی درخواست مذاکره ممکن است مانند قرآن بر نیزه کردن معاویه دامی خطرناک برای مسلمانان و حتی بشر باشد:

اگر جمهوری اسلامی با آمریکا پشت میز مذاکره بنشیند، آمریکایی‌ها خیالشان از این جهت راحت می‌شود؛ به هر جایی در دنیا می‌گویند: شما برای چه تلاش می‌کنید؟ شما که مثل ایران نخواهید شد! به پای ایران که نخواهید رسید! هر چه بشوید، یک ملت و یک نظام و آن شکوه و شجاعت را که پیدا نخواهید کرد! آنها هم بالاخره مجبور شدند و اینجا پای میز مذاکره آمدند؛ شما دیگر چه می‌گویید؟ یعنی با تسلیم ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی ایران، به نشستن پای میز مذاکره با آمریکا، خیال آمریکا از بسیاری از این مبارزات دنیای اسلام آسوده خواهد شد (همان، بیانات ۱۳۷۶/۱۰/۲۶).

۳. بدعهدی

بدترین خصیصه شیطان در روابط فردی، سیاسی و اجتماعی «بدعهدی» است. شیاطین اگر پیمان حمایت ببندند، وفا نمی‌کنند: «وَ إِذْ رَبَّنَا أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَ سَأَلْنَاهُمْ ذُرِّيَّتَهُمْ فَلَمَّا أَثَبَتُوا بَلَغًا سَآءُوا لَهُمْ نَجْوَاهُمْ إِذْ رَجَعُوا إِلَى رَبِّهِمْ فَوَعَدْتُهُمْ فَاخْلَفْتُمْ (ابراهیم: ۲۲) ... خدا به شما وعده داد وعده حق، و من به شما وعده دادم و تخلف کردم.

امام خمینی علیه السلام ریشه بدعهدی شیطان بزرگ را به خوبی تبیین کرده است:

۱۰۵ ❖ بررسی مسئله رابطه با «شیطان عصر» بر اساس خط مشی سیاسی قرآن

آمریکا از شما نفت... و... نفع می‌خواهد و می‌خواهد شما بازار باشید برای او... آن روزی که ببینند این به نفع نیست، ولو دوست‌شان باشد کنارش می‌گذارند... آن روزی که ببینند... دیگری بهتر از این است و این برایشان دیگر خوب نیست... پرتش می‌کنند دور، یا می‌زنندش به زمین... کسی که به خدا اعتقاد ندارد، کسی که به معاد اعتقاد ندارد، کسی که نمی‌شناسد آن ارزش‌های انسانی را، ... نمی‌شود بهش اعتماد کرد (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۸، ص ۱۲۷).

مقام معظم رهبری نیز معتقد است آمریکا مانند شیطان بدعهد است. ایشان در بیان عدم امکان تعامل با آمریکا می‌گویند:

دولت جمهوری اسلامی نمی‌تواند با آمریکا تعامل کند؛ چرا؟ برای اینکه آمریکا پابند به تعهدات خودش نیست. نگویند اینها کار این دولت است و کار ترامپ است؛ نه، دولت قبل هم ... نقض کردند؛ آنها هم تحریم کردند، آنها هم برخلاف تعهدات خودشان عمل کردند (حسینی خامنه‌ای، بیانات ۹۷/۳/۲)

به معنای واقعی کلمه، اینها کسانی هستند که قرآن در حشمان می‌گوید «إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ» (توبه: ۱۲)؛ هیچ عهد و پیمانی در اینها مورد اعتماد نیست (همان، بیانات ۹۷/۳/۳۰).

۴. تفرقه افکنی و دور کردن بندگان خدا از یکدیگر

شیطان در پی شکستن پیوندهای اجتماعی و درهم ریختن نظام جامعهٔ مردمانی است که از او پی‌روی نمی‌کنند: «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ» (مائده: ۹۱). روزگاری اتحاد و همبستگی فرزندان یعقوب برای شیطان یک خطر بود. شیطان وارد شد تا آن نهاد را بشکند. خدای متعال از زبان حضرت یوسف علیه السلام نقل کرده است: «نَزَعَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَبَيْنَ إِخْوَتِي» (یوسف: ۱۰۰). «نزع» به معنای وارد شدن در کاری برای افساد و اخلال در آن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۹۸).

امام خمینی علیه السلام بر اساس تعالیم الهی، منشأ فتنه و تفرقه در جامعهٔ اسلامی را شیاطین وابسته به آمریکا می‌دانستند: «شیاطین درصدد اختلاف انداختن هستند... اینها، که بین اقشار ملت در اطراف مملکت آشوب می‌کنند و درصدد اختلاف انداختن هستند... عمال آمریکا هستند» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۷، ص ۳۴۲).

بر اساس همین معیار قرآنی است که رهبر معظم انقلاب هشدار داده‌اند: «با بیداری دنیای اسلام، انگیزه و داعی اختلاف‌افکنان و جبههٔ استکبار برای ایجاد اختلاف، شدیدتر و قوی‌تر شد» (حسینی خامنه‌ای، بیانات ۱۳۸۸/۲/۲۲) و تأکید کردند: «هر پرچم اختلافی که بلند شد، شما آن را متهم کنید که نفوذی دشمن است» (همان، بیانات ۱۳۶۸/۴/۱۳).

۵. شرارت

شیطان موجودی شرور و فاقد خیر است. قرآن شیطان را «مَرِيدٌ» (نساء: ۱۱۷) به معنای «خیبث، متمرّد و شرور» (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۴۰۰) خوانده است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ۱۹۲ *نهج البلاغه*، به نقش شیطان در شرارت‌های اجتماعی، مانند برادرکشی اشاره کرده است که در اثر دمیدن باد کبر و غرور در دماغ آدمی هدفش را محقق می‌کند. این صفت در آمریکا وجود دارد. به بیان *امام خمینی* علیه السلام: «در داخل دانشگاه‌ها، بیابند شیطنت کنند؛ عمالشان بیابند شیطنت کنند. به نظر من، اکثر عمال آمریکا هستند (که) به صورت‌های اسلامی، ... کمونیستی؛ به هر صورتی درمی‌آیند» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۷، ص ۲۱۳).

مقام معظم رهبری نیز بارها درباره شرارت‌های آمریکا هشدار داده‌اند. از جمله درباره درگیری‌های ایجاد شده در ایران و نابسامانی‌های اقتصادی به وجود آمده برای مردم، آن شیطان را مسبب اصلی معرفی کرده‌اند (حسینی خامنه‌ای، بیانات ۱۳۹۷/۵/۲۲؛ همان، ۱۳۹۷/۱/۲). رهبری معظم اهانت به پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله را «حرکت شرارت‌بار» خوانده و پشت صحنه این حرکت را سیاست‌های خصمانه صهیونیسم و آمریکا معرفی کرد. همچنین ایشان به حمایت‌های آنان از *سلمان رشدی* کاریکاتوریست دانمارکی و کشیش‌های آمریکایی آتش زنده قرآن اشاره کرده و اینها را مصادیقی از شرارت‌های آمریکا و صهیونیسم دانسته‌اند (همان، ۱۳۹۱/۶/۲۳).

۶. پنهان کاری

قرآن تصریح می‌کند که نگاه شیطان به انسان از زاویه خاص و با برنامه است: «...إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ...» (اعراف: ۳۷). شیطان در توطئه علیه انسان مخفی کاری دارد و به گونه‌ای انسان را از نعمت‌ها محروم می‌کند که متوجه نمی‌شود.

موجودی که بتواند خودش را پنهان کند، می‌تواند فتنه‌ها و توطئه‌های بسیاری طراحی کند، ولی خودش دیده نشود. این رهبری الهی است که پشت صحنه‌ها را می‌بیند. *امام خمینی* علیه السلام از آغاز انقلاب، همواره به این موضوع توجه می‌داد: «امروز خیانت‌های زیرزمینی است. یک توطئه‌های زیرزمینی است... که مهم‌ش و عمده‌اش مال شیطان بزرگ است که آمریکا باشد» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۰، ص ۴۹۷-۴۸۹).

مقام معظم رهبری این معیار منع روابط با شیطان عصر را چنین توضیح داده‌اند:

اظهاراتی که رئیس جمهور جدید ایالات متحده آمریکا می‌کند و می‌گوید: ما دست دوستی را دراز می‌کنیم... ما نگاه می‌کنیم، ببینیم آیا واقعاً دست دوستی است؟ آیا واقعاً نیت، نیت دوستانه است، یا نیت خصمانه در قالب الفاظ فریبرگر؟... اگر در زیر دستکش مخملی، دست چدنی و پنجه چدنی باشد، ما دستمان را دراز نمی‌کنیم؛ دوستی را قبول نمی‌کنیم. اگر با لبخندی که زده می‌شود، خنجری در پشت پنهان شده باشد، ما حواسمان جمع است (حسینی خامنه‌ای، بیانات ۱۳۸۹/۱/۱).

۷. یارگیری سازمان‌یافته

ابلیس در فعالیت‌های اغوايي، پیاده‌نظام و سواره‌نظام دارد: «...وَاجِبٌ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجْلِكَ...» (اسراء: ۶۴).

شیطان بر گروهی از مردم مسلط می شود و آنان را از یاد خدا غافل می کند و آنان حزب شیطان می شوند: «اَسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ...» (مجادله: ۱۹). این حزب در خدمت شیطان است. امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه «قاصعه» متذکر شده اند که در آغاز اسلام، شیطان نیروهای خود را جمع کرد تا در مقابل اسلام توطئه کنند (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ج ۲۳۴).

امام خمینی علیه السلام در تطبیق این صفت شیطانی بر آمریکا می گویند:

در این انقلاب، شیطان بزرگ، که آمریکاست، شیاطین را با فریاد دور خودش دارد جمع می کند. و چه بچه شیطان هایی که در ایران هستند و چه شیطان هایی که در خارج هستند، جمع کرده است و می خواهد به راه انداخته است (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۰، ص ۴۸۹).

همچنین می گویند: «شیطان بزرگ جوجه های خود را فراخوانده است تا با هر حیلۀ متصور، بین مسلمین تفرقه افکند» (همان، ج ۱۳، ص ۲۰۸).

امام خمینی علیه السلام توقع داشت که جوانان یاران «خناس» آمریکا را بشناسند: «جوان های ما باید متوجه این معنا باشند که شیاطین را بشناسند... و به خدا پناه ببرند از وسواس خناس، که در رأسشان آمریکاست و اذتاب او، تا برسد به آنهایی که در بین قشرهای ما هم از اذتابشان موجود است» (همان، ج ۱۰، ص ۴۷۱).

مقام معظم رهبری صحنه دنیا را در حال حاضر چنین می بینند: «قدرت های مستکبر [که در رأسشان آمریکاست] در یک طرف قرار گرفته اند، با همان توان های مادی ای که دارند، با ارعابی که می کنند، با هیبتی که از خودشان نشان می دهند و دیگران را مقهور هیبت خودشان می کنند» (حسینی خامنه ای، بیانات ۱۳۹۴/۸/۱۲).

۸. استکبار و سلطه طلبی بی حد و مرز

شیطان جنس خود را برتر می داند و نژادپرست است: «قَالَ مَا مَنَّكَ إِلَّا تَسْجُدُ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ» (خداوند به او) فرمود: در آن هنگام که به تو فرمان دادم، چه چیز تو را مانع شد که سجده کنی؟ گفت: من از او بهترم؛ مرا از آتش آفریده ای و او را از گل! (اعراف: ۱۲).

امام خمینی علیه السلام ضمن اشاره به این صفت شیطان بزرگ، نمادهای سلطه طلبی آمریکا را نشان داده اند:

آمریکا برای سیطره سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و نظامی خویش بر جهان زیر سلطه، از هیچ جنایتی خودداری نمی نماید. او مردم مظلوم جهان را با تبلیغات وسیعش، که به وسیله صهیونیسم بین الملل سازمان دهی می گردد، استثمار می نماید. او با ایادی مرموز و خیانت کارش، چنان خون مردم بی پناه را می مکد که گویی در جهان هیچ کس جز او و اقمارش حق حیات ندارند (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۳، ص ۲۱۲).

از نظر مقام معظم رهبری نیز دولت آمریکا همانند شیطان، روحیه استکباری دارد:

آمریکایی ها نسبت به همه جای دنیا روح استکباری دارند (حسینی خامنه ای، بیانات ۱۳۸۸/۸/۱۲). یکی از ویژگی های نظام استکبار، خودپرتر بینی است. وقتی خودشان را محور دانستند، همه چیز را فرع بر خودشان

دانستند، یک معادله غلط و خطرناکی در تعاملات جهانی به وجود می‌آید؛ برای خود حق مداخله در امور بقیه انسان‌ها و ملت‌ها را قائل می‌شود (همان، بیانات ۱۳۹۲/۸/۲۹).

۹. زیرپا گذاشتن تشریحات و قوانین

شیطان، آنجا که فرمان الهی با استکبار و خودبرتربینی‌اش منافات داشت، ربوبیت تشریحی خداوند را منکر شد و حکم خلاف میل خود را نپذیرفت و با فرمان سجده مخالفت نمود! (اسراء: ۶۱) و در برابر خدای رحمان عصیان کرد: «إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا» (مریم: ۴۴)، به تبع این حق ناپذیری، او کمترین انعطافی در برابر حقوق انسان نشان نمی‌دهد.

در بیان امام خمینی^{ره} و رهبری انقلاب، انعکاس این ویژگی شیطانی در شیطان عصر، به شکل کامل قابل مشاهده است. از نظر ایشان، آمریکا نیز مانند شیطان، هیچ مرز و حد و قانونی نمی‌شناسد و تجاوز به منافع دیگران و استعمار و استثمار و بردگی ملت‌ها را امری ضروری و کاملاً توجیه شده و منطقی و منطبق با همه اصول و موازین خودساخته و بین‌المللی می‌داند (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۷۹). همچنین ایشان متذکر شده است که آمریکا قوانین بین‌المللی را قبول ندارد:

این اعلامیه حقوق بشر... آمریکا یکی از آنهاست که تصویب کردند... و امضا کردند... که حقوق بشر باید محفوظ بماند و یکی از حقوق بشر آزادی است. همین آمریکایی که اعلامیه حقوق بشر را - به اصطلاح - امضا کرده است، شما ببینید چه جنایاتی بر این بشر واقع کرده است... در هر مرکزی از مراکز مسلمین و غیر مسلمین، یک مأموری نصب کرده‌اند که سلب آزادی از همه آن اشخاصی که در آن محیط هستند، کرده‌اند... اعلامیه حقوق بشر... برای اغفال است (همان، ج ۳، ص ۳۳۲).

امام راحل معتقد بود آمریکا از عنوان «قانون» به نفع خود سوء استفاده کرده است و هر استعمار و استثماری بکند، قانونی جلوه می‌دهد و هر کاری را نخواهد بکند غیرقانونی می‌خواند (همان، ج ۱۱، ص ۱۵۷).

مقام معظم رهبری نیز به‌طور کلی، می‌گوید: «خصوصیت و شاخص دیگر استکبار، «حق ناپذیری» است؛ نه حرف حق را می‌پذیرند، نه حق ملت‌ها را می‌پذیرند؛ حق ناپذیری مطلق» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۸/۲۹).

۱۰. دروغ‌گویی

یکی از خصلت‌های شیطان این است که از ابزار دروغ و فریب برای رسیدن به اهداف خود در گمراه کردن مردم و کشاندن آنان به دنبال خود، بهره می‌گیرد: (نساء: ۱۲؛ اعراف: ۲۰-۲۲؛ لقمان: ۳۳).

از دیدگاه امام خمینی^{ره} آمریکا و ادناش نیز اگر منافعشان اقتضا کند از دروغ و تهمت ابایی ندارند؛ چنان‌که در قصه گروگان‌های جاسوس، «آمریکا و اقمارش از هیچ دروغ و افترا و تهمتی... فروگذار نکردند» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۳، ص ۲۱۴).

امام خامنه‌ای نیز معتقد است: «بزرگ‌ترین جرم استکبار جهانی این است که دروغ‌گویی... را با رفتار خود در دنیا توسعه و رشد می‌دهد و ترویج می‌کند» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۹/۱۹).

۱.۱. اصرار بر تعمیق فساد و گمراهی انسان‌ها

شیطان پس از گمراه ساختن افراد بی‌تقوا، آنها را رها نمی‌کند، بلکه تا توان دارد، سعی می‌کند آنان را در منجلاب گمراهی بیشتر فروبرد: «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ، وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّوهُمْ فِي الْعَيِّ ثُمَّ لَا يُقْصِرُونَ»؛ پرهیزگاران هنگامی که گرفتار وسوسه‌های شیطان شوند، به یاد (خدا و پاداش و کیفر او) می‌افتند؛ و (در پرتو یاد او، راه حق را می‌بینند و) ناگهان بینا می‌گردند. و برادرانشان (از شیاطین) را پیوسته در گمراهی پیش می‌برند، و باز نمی‌ایستند (اعراف: ۲۰۱-۲۰۲). مراد از «اخوانهم»، مشرکان است که همان شیاطین هستند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۳۸۱).

شیطان گفته است: «وَأُضِلَّيْنَهُمْ وَوَلَّيْنَهُمْ وَوَلَّيْنَهُمْ فَلْيُبَيِّنَنَّ لَكَ أَلْفَاظَهُمْ وَلْيَمَّيِّزَنَّ لَكَ أَلْفَاظَهُمْ لِيَفْعَلَنَّ اللَّهُ بِهِنَّ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلِيمٌ ذَكِيمٌ»؛ و او را گمراه می‌کنم، و به آرزوها سرگرم می‌سازم... شیطان به آنها وعده‌ها (ی دروغین) می‌دهد و به آرزوها سرگرم می‌سازد، در حالی که جز فریب و نیرنگ، به آنها وعده نمی‌دهد. آنها [پیروان شیطان] جایگاهشان جهنم است، و هیچ راه فراری ندارند» (نساء: ۱۱۹-۱۲۱).

آمریکا هم چنین است. امام خمینی رحمه‌الله فساد پنجاه ساله قبل از انقلاب را نتیجه کارکرد ابرقدرت‌ها و آمریکا دانسته است: «در پنجاه سال اخیر، زحماتی کشیده شد برای انحراف جوانان. آن همه مراکز فساد و نشریات فاسد و آزاد گذاشتن منکرات، همه برای این بود که صدای ملت در نیاید» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۴، ص ۳۸۵).

امام خمینی رحمه‌الله حتی در وصیت‌نامه خود، عمل شیاطینی آمریکا را در تلاش برای گسترش فساد یادآور شده است: آیا نمی‌دانید که کشور اسلامی در آن زمان، یک پایگاه نظامی برای آمریکا بود و با آن، عمل یک مستعمره می‌کردند و از مجلس تا دولت و قوای نظامی در قبضه آنان بود؟... آیا اشاعه فحشا در سراسر کشور و مراکز فساد، از عشرتکده‌ها و قمارخانه‌ها و میخانه‌ها و مغازه‌های مشروب‌فروشی و سینماها و دیگر مراکز، که هر یک برای تباه کردن نسل جوان عاملی بزرگ بود، از خاطرتان محو شده؟ (موسوی خمینی، ۱۳۸۸، ص ۷۸).

از نظر قرآن، شیطان اگر راه نفوذ ببیند، به هیچ حدی از فساد انسان قانع نیست. او تا تمام ارزش‌های ملت‌ها را نگیرد، راضی نمی‌شود (همان، ص ۸۲-۸۳).

مقام معظم رهبری می‌فرماید:

یک نظریه این بود که ما به نحوی با استکبار کنار بیاییم... اما پاسخ این سؤال را نمی‌دانند که این کنار آمدن، کوتاه آمدن و عقب‌نشینی کردن سنگر به سنگر، تا کجا باید از ارزش‌های خود صرف‌نظر نماییم تا آمریکا بگوید دیگر با شما کاری نداریم؟ (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۷/۲۲).

پس آمریکا به سطح محدودی از فساد مردم ایران قانع نمی‌شود تا فساد به جایی برسد که اهداف شیطانی‌اش محقق شود.

۱۲. ترساندن ملت‌ها

از ویژگی شیطان این است که در دل وابستگان خود رعب و وحشت ایجاد می‌کند: «إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ» (آل عمران: ۱۷۵) و از این رهگذر، به هدف خود که پی‌روی مردم از خود است، دست می‌یابد. امام خمینی علیه السلام که بارها به عربده‌های آمریکا (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۵، ص ۶۱) توجه داده، معتقد بودند: «آنها همیشه بنا بر این است که ارباب کنند، بترسانند» (همان، ج ۹، ص ۴۳۱). ایشان همه تهدیدات را برای ترساندن مردم می‌دانستند. از این رو، برای خنثاکردن جوسازی روانی آمریکایی‌ها می‌فرمودند: «ما نمی‌ترسیم از اینکه آمریکا توطئه کند، یا فرض کنید تهدید کند ما را... ملت ما هم نمی‌ترسد» (همان، ج ۱۱، ص ۱۴).

مقام معظم رهبری نیز می‌گویند:

آمریکایی‌ها با ادعای اینکه موشک‌های آمریکایی و اسرائیلی هدف‌های داخل ایران را نشانه گرفته‌اند و یک اشاره کافی است تا ایران را منهدم کنند، هدفشان این بود که در مقابل این تهدیدها و ارباب... مسئولان بترسند و تسلیم شوند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۳، ج ۷، ص ۲۲۲) و شیخ جنگ را بزرگ می‌کنند برای اینکه، یا ملت را بترسانند یا ترسوها را بترسانند (حسینی خامنه‌ای، بیانات ۱۳۹۷/۵/۲۲).

آنچه ارائه شد بخش مهمی از اوصاف و ویژگی‌های شیطان و مصداق عصری آن است که ملاک و دلایل ممنوعیت رابطه با اوست. بر این اساس، رهبران الهی همچون امام خمینی علیه السلام که معیارها و خصوصیات را منطبق بر آمریکا دیده‌اند، روابط با او را ممنوع اعلام کرده‌اند. پس حکم، منطبق بر معیارهای قرآنی است.

امکان تجویز حداقل روابط با شیطان عصر

رهبری نظام اسلامی، که راهبردهای آن را ترسیم می‌کند، ممکن است به عللی، نوعی از روابط را با دولتی که شیطان خوانده است، تجویز کند. این تجویز مبتنی بر عللی است؛ از جمله:

یک) طراحی مبارزه در قالب مذاکره

رهبر الهی برای اقدام علیه شیطان و قطع روابط با او، باید چهره‌اش را به مردم بشناساند تا عوارض ناشی از قطع روابط پذیرفته شود. این افشای چهره، خود نبردی فرهنگی است که نیازمند طراحی و به‌کارگیری روشی کارساز است. پیامبر الهی، حضرت ابراهیم علیه السلام تشخیص داده بود که نمرود صفات شیطانی دارد، ولی برای آگاه شدن مردم با او، وارد گفت‌وگو شد: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ...؟» آیا ندیدی (و آگاهی نداری از) کسی [نمرود] که با ابراهیم درباره پروردگارش محاجّه و گفت‌وگو کرد؟ زیرا خداوند به او حکومت داده بود؛ (و بر اثر کمی ظرفیت، از باده غرور سرمست شده بود؛) هنگامی که ابراهیم گفت... (بقره: ۲۵۸).

آیات سوره طه نشان می‌دهد که فرعون صفات شیطانی داشته است؛ مانند طغیان (طه: ۴۳)، نیرنگ و مبارزه با حق (طه: ۶۰)، فریب مردم و استکبار (طه: ۷۱). اما حضرت موسی علیه السلام که می‌دانست او مردم را فریب داده، تحقیر کرده و مستکبرانه آنان را به عبودیت خود کشانده، برای اتمام حجت و بیداری جامعه، به امر خدا با او گفت‌وگو و مذاکره، ولی در نهایت، مبارزه کرد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با سران مشرک مکه وارد مذاکره شدند و حتی تفاهم‌نامه‌ای امضا کردند که ظاهرش در نظر مسلمانان کوتاه‌بین شکست بود، ولی نرمش قهرمانانه و سیاست به‌کار رفته در این مذاکره و معاهده، نابودی شرک و مستکبران شیطان‌صفت مکه را رقم زد.

پس گرچه مذاکره برای توافق و ایجاد روابط ممنوع است، ولی گاهی به اقتضای شرایط، از باب نرمش قهرمانانه و به هدف شکست و رسوا کردن شیطان انجام می‌شود؛ چنان‌که در **تبیین راهبرد نرمش قهرمانانه در کلام مقام معظم رهبری** (میر عرب، ۱۳۹۴) توضیح داده شده است. حدیث نبوی نیرنگ در جنگ «الحرب خدعه»؛ جنگ نیرنگ است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۷، ص ۴۶۰) نیز بعضی از مذاکرات تضعیف‌کننده دشمن را تجویز می‌کند. اساساً از ابتدا باید طراحی مذاکره در جهت افشای چهره پنهان شیطان انسانی باشد که با نیرنگ‌هایش چهره‌ای موجه از خود به جهان بشری معرفی کرده است. آنچه در جریان گفت‌وگو با شیطان عصر مهم است، تبعیت از راهبردهای رهبر الهی و اجرای منویات او در گفت‌وگوهاست.

دو روابط در صورت تغییر رفتار

گفته شد که مصداق ذکر شده برای عنوان شیطان ذاتی نیست و به اعتبار اوصاف است؛ زیرا انسان بالذات فطرت الهی دارد و گناه انسان به هراندازه که باشد، باب توبه بر او بسته نیست و امکان بازگشت به ساحت انسانی وجود دارد (زمر: ۵۳). قرآن که منافقان را شایسته پایین‌ترین درجات دوزخ معرفی می‌کند و آنان را از هرگونه یابوری از جانب خدا محروم می‌داند (نساء: ۱۴۵) بازگشت آنان را به جمع مؤمنان با توبه و اصلاح گذشته ممکن می‌بیند (نساء: ۱۴۶).

پس اگر مصداقی انسانی برای شیطان معرفی می‌شود، عصری و زمانی است و امکان تغییر وجود دارد. میزان تغییر بر اساس تشخیص رهبری، ممکن است حدی از مذاکرات و روابط را مجاز کند. برای نمونه، حکومت آفریقایی جنوبی صفت شیطانی (نژادپرست) داشت و به حکم **امام خمینی** علیه السلام روابط با او نامشروع بود، ولی با تغییر حکومت، موضوع حکم برداشته شد. درباره افراد و حکومت‌های دیگر نیز همین قاعده جاری است. **امام خمینی** علیه السلام در نامه‌ای به «شورای انقلاب» درباره درخواست آمریکایی‌ها برای مذاکره، تصریح می‌کند:

اگر چنانچه آمریکا، شاه مخلوع - این دشمن شماره یک ملت عزیز ما - را به ایران تحویل دهد و دست از جاسوسی بر ضد نهضت ما بردارد، راه مذاکره در موضوع بعضی از روابطی که به نفع ملت است، باز می‌باشد (موسوی، خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۰، ص ۵۰۳).

چند سال بعد نیز گفتند: «با آمریکا روابط ایجاد نخواهیم کرد، مگر اینکه آدم بشود و از ظلم کردن دست بردارد» (همان، ج ۱۹، ص ۹۵).

هماهنگ با امام خمینی علیه السلام مقام معظّم رهبری خطاب به آمریکایی‌ها گفتند: «شما تغییر کنید! ما هم رفتارمان تغییر خواهد کرد» (حسینی خامنه‌ای، ۸۸/۱/۱). پس ممنوعیت تا زمان صدق عنوان «شیطان» است.

سه) تشخیص عدم قطعیت خطر

آنچه بیان شد در خصوص حکومتی است که شیطان بودنش قطعی است. ولی اگر دولتی به هر علت ظاهراً توبه نکرد، ولی رهبری نظام اسلامی تشخیص داد که این دولت توانایی شیطنت ندارد و خطری از جانب او مسلمانان را تهدید نمی‌کند، بنابر اصل اولی، که همه انسان‌ها می‌توانند با هم رابطه داشته باشند، ممکن است مجوز روابط صادر شود. قرآن کریم درباره دشمنان پیامبر صلی الله علیه و آله که حتی پیمان شکنی کردند، می‌فرماید: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»؛ و اگر به صلح تمایل نشان دادند، تو نیز از در صلح درآی، و بر خدا توکل کن، که او شنوا و داناست (انفال: ۶۱). پس تمایل اصلی باید به سمت صلح و آشتی باشد. قرآن درباره علت این تمایل، حتی احتمال نیرنگ را رد نمی‌کند: «وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ»؛ گرچه بخواهند تو را فریب دهند. ولی دل رهبری اسلام را محکم می‌کند: «وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي أَيْدَكَ بِبَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ»؛ و اگر بخواهند تو را فریب دهند، خدا برای تو کافی است. او همان کسی است که تو را با یاری خود و مؤمنان تقویت کرد» (انفال: ۶۲) تا صلح را نادیده نگیرد.

قرآن کریم اساساً نزاع و درگیری را در بسیاری از شرایط نمی‌پسندد. قرآن درباره مشرکان لجوج می‌فرماید: «و با آنان بجنگید تا فتنه [شُرک، بت‌پرستی و حاکمیت کفار] بر جای نماند و دین فقط ویژه خدا باشد. پس اگر بازایستند [به جنگ با آنان پایان دهید و از آن پس] تجاوزی جز بر ضد ستم‌کاران جایز نیست (بقره: ۱۹۳). پس فقط کافی است که فتنه نکنند و دست از جنگ بردارند. در سوره انفال نیز بر همین منش تأکید شده است (انفال: ۳۹).

بالتر از این، از قرآن فهمیده می‌شود که خدای متعال امید به دوستی و رفع دشمنی را اصل اولی قرار داده و بندگان را به داشتن این منش تشویق کرده است: «عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوْدَّةً وَ اللَّهُ قَدِيرٌ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»؛ امید است خدا میان شما و کسانی از کافران که با آنان دشمنی داشتید [به‌وسیله اسلام آوردنشان] دوستی قرار دهد، و خدا تواناست، و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است (ممتحنه: ۷). مهر تأیید این منش آن است که در آیه بعد درباره کافران و مشرکان می‌فرماید: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»؛ خدا شما را از رفتار نیک (مانند احترام متقابل و روابط) و عدالت نسبت به کسانی که در کار دین با شما نجنگیدند و شما را از دیارتان بیرون نکردند، باز نمی‌دارد؛ زیرا خدا عدالت‌پیشگان را دوست دارد (ممتحنه: ۸).

پس در سنت الهی، روابط عادلانه آن قدر مهم است که حتی کفر طرف مقابل نمی تواند مانع آن باشد. ادله یاد شده بیانگر آن است که رهبری می تواند با احتمال رفع شیطنت، سطحی از روابط را تجویز کند.

جمع بندی و نتیجه

باتوجه به داده های پژوهش و براساس مبانی و خطمشی سیاسی متقن و روشن قرآن، اگر یک نظام سیاسی و دولتی، شیطان در لباس انسان باشد، روابط با او ممنوع است. یکی از دولت ها آمریکاست که امام خمینی علیه السلام آن را «شیطان بزرگ» خوانده؛ زیرا سردمداران آمریکا خصلت های شیطانی همچون مبارزه با اسلام، استکبار، دروغ گویی، فریب کاری، بدعهدی، اغواگری؛ یعنی در مجموع کارکرد شیطانی دارند. از این رو، با نگاه قرآنی - چنان که شواهدش در متن ارائه شد - این عنوان برای آمریکا، نه تشبیه است و نه مجاز، بلکه کاربرد کلمه در معنای حقیقی است؛ چنان که در قرآن، اطلاق «شیطان» بر فردی از جن با توجه به اوصاف و معیار است.

۱. با بهره گیری از قاعده «جری و تطبیق» آمریکا شیطان است. این تطبیق زمانی حجت است که از سوی معصوم یا نایب جامع الشرایط او، مانند امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری انجام شود.

۲. تعامل یا عدم تعامل با آمریکا دایر مدار بقا یا عدم بقای وصف شیطنت در اوست.

۳. هر نوع رابطه، حتی مذاکره با شیطان، که دشمنی اش با انسان قطعی است، با نگاه مثبت (امکان اعتماد و حل مشکلات) ممنوع است؛ چنان که رهبر معظم معتقد است: «مذاکره با آمریکا نه تنها فایده ندارد، بلکه ضرر هم دارد» (حسینی خامنه ای، بیانات ۹۵/۶/۲۸)؛ زیرا آمریکا همین مذاکره را سامانه ای برای تقویت جایگاه خود در شیطنت قرار خواهد داد.

۴. با اعتقاد به درستی نظریه و بر اساس اینکه دولت آمریکا ظاهر انسانی و ادعاهای فریبنده دارد، رهبر نظام اسلامی ممکن است جنگی را در قالب مذاکره، برای شکستن اجماع کاذبی که آمریکا، با تکیه بر امپراتوری رسانه ای خود ضد جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده و برای آشکار ساختن دشمنی اش برای زودباوران در برخی شرایط تجویز کند؛ چنان که رسول خاتم علیه السلام یا امام حسن مجتبی علیه السلام نوعی از این تعامل را داشته اند. این روش خود نوعی نرمش قهرمانانه و از باب «الحرب خدعه» است و تأمین کننده منافع جبهه حق در روابط بین الملل است.

۵. عنصر اساسی و سرنوشت ساز در روابط تجویزی، نماینده جبهه حق است که اگر عمّار باشد که حضرت علی علیه السلام معرفی می کنند، یک ثمره دارد، و اگر با فشار منافقان /بوموسی /شعری باشد، فاجعه ای در پی خواهد داشت.

پس روابط با شیطان عصر از نظر مشی سیاسی قرآن، به یقین ممنوع است؛ زیرا «کوتاه آمدن در برابر استکبار چیزی جز تسلیم و زبونی به همراه ندارد» (حسینی خامنه ای، ۱۳۸۳، ج ۷، ص ۲۲۲) و «دشمنی اینها تمام نمی شود» (حسینی خامنه ای، بیانات ۱۳۹۴/۶/۱۸).

منابع

- نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ترجمه محمد دشتی، قم، مشهور.
- ابن حنبل، احمد، بی‌تا، *مسند احمد*، بیروت، دارصادر.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، ۱۳۷۶، *مناقب آل ابی‌طالب*، نجف اشرف، المكتبة الحیدریه.
- ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ق، *مقاییس اللغة*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۰۵ق، *لسان العرب*، قم، نشر ادب الحوزه.
- ابوالقاء، ایوب بن موسی حسینی کفوی، ۱۴۱۲ق، *الکلیات*، بیروت، مؤسسه الرساله.
- ابوحیان اندلسی، محمد بن یوسف، ۱۴۲۰ق، *البحر المحیط فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالفکر.
- الوانی، سید مهدی، ۱۳۸۷، *تصمیم‌گیری و تعیین خط مشی دولتی*، تهران، سمت.
- آقابخش، علی و مینو افشاری‌راد، ۱۳۷۶، *فرهنگ اصطلاحات علوم سیاسی*، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ق، *روح المعانی*، بیروت، دارالکتب الاسلامیه.
- باطنی، محمدرضا، ۱۳۷۶، *فرهنگ معاصر انگلیسی - فارسی*، تهران، فرهنگ معاصر.
- بحرانی، سید هاشم، ۱۴۱۶ق، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران، بنیاد بعثت.
- بستانی، فؤاد افرام، ۱۳۷۶، *فرهنگ ابجدی*، ترجمه رضا مهیار، تهران، اسلامی.
- جمالی، حسین، ۱۳۸۵، *تاریخ و اصول روابط بین‌المللی*، قم، پژوهشکده تحقیقات اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۵، *تفسیر تسنیم*، قم، نشر اسراء.
- _____، ۱۳۸۶، *سرچشمه اندیشه*، قم، نشر اسراء.
- جوهری، اسماعیل، ۱۴۰۷ق، *الصحاح*، بیروت، دارالمالین.
- حر عاملی، محمد بن الحسن، ۱۴۱۴ق، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌ال‌بیت لإحياء التراث.
- حسینی خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۸۳، *راهبردهای ولایت*، تهران، نسل کوثر.
- _____، بیانات، سایت khamenei.ir.
- خزائلی، محمد، ۱۳۷۱، *اعلام القرآن*، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- دامغانی، حسین، ۱۴۱۹ق، *الوجه والنظائر*، دمشق، مکتبه الفارابی.
- دهخدا، علی‌اکبر، بی‌تا، *لغت‌نامه*، تهران، مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.
- راغب اصفهانی، حسین، ۱۴۱۲ق، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت، دارالسامیه.
- زبیدی، مرتضی، ۱۴۱۴ق، *تاج العروس*، بیروت، دارالفکر.
- سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۰۴ق، *الدر المشور*، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
- شبستری، عبدالحسین، ۱۴۲۱ق، *اعلام القرآن*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- شعرانی، میرزا ابوالحسن، ۱۳۹۸، *نثر طوبی*، تهران، اسلامی.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ۱۴۰۴ق، *عیون أخبار الرضا*، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- صفا، محمد بن الحسن، ۱۴۰۴ق، *بصائر الدرجات*، تهران، مشورات الأعلمی.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان*، قم، جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان*، تهران، ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ق، *جامع البیان*، بیروت، دارالمعرفه.
- طلوعی، محمود، ۱۳۷۷، *فرهنگ جامع سیاسی*، تهران، نشر علم.

- طوسی، محمدبن حسن، بی تا، *التبیان*، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
- طیب، سید عبدالحسین، ۱۳۷۸، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، اسلام.
- عبدالباقی، محمدفواد، ۱۳۷۴، *المعجم المفهرس*، بی جا، اسلامی.
- عطاردی، عزیزالله، ۱۴۰۶ق، *مسند الإمام الرضا*، مشهد، المؤتمر العالمی الإمام الرضا.
- عیاشی، محمد بن مسعود، بی تا، *تفسیر عیاشی*، تحقیق رسولی محلاتی، تهران، المکتبه العلمیه الإسلامیه.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۳۰۹ق، *العین*، قم، دارالهجره.
- قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۸۶، *قاموس قرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- قرطبی، محمدبن احمد، ۱۳۶۴، *الجامع لاحکام القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۶۳، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۳، *دائرة المعارف قرآن کریم*، قم، بوستان کتاب.
- مسترهاکس، ۱۳۷۷، *قاموس کتاب مقدس*، بی جا، اساطیر.
- معین، محمد، ۱۳۸۶، *فرهنگ فارسی*، تهران، امیر کبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ملاصدرا، محمدبن ابراهیم شیرازی، ۱۳۶۶، *تفسیرالقرآن الکریم*، قم، بیدار.
- موسوی خمینی، روح الله، ۱۳۸۵، *تقریرات فلسفه*، تقریر: سیدعبدالغنی اردبیلی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ____، ۱۳۸۸، *ولایت فقیه*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ____، ۱۳۸۹، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- میرزاخسروانی، علی رضا، ۱۳۹۰ق، *تفسیر خسروی*، تهران، اسلامی.
- میرعرب، فرج الله، ۱۳۹۴، «تبیین راهبرد نرمش قهرمانانه در کلام مقام معظم رهبری»، *معرفت سیاسی*، ش ۱۳، ص ۱۲۷-۱۴۴.
- نراقی، احمد، بی تا، *معراج السعاده*، تهران، رشیدی.
- نراقی، محمد مهدی، ۱۳۷۹، *جامع السعادات*، قم، اسماعیلیان.